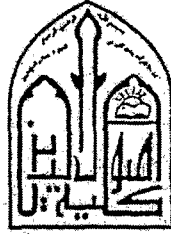


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١٥١٢٢٢



دانشکده اصول الدین  
USUL AL DEEN COLLEGE

دانشکده اصول الدین قم

رساله‌ی دکتری (Ph.D)

رشته‌ی علوم قرآن و حدیث

موضوع

**تدوین مکتب اجتهادی آیت الله بروجردی  
با تکیه بر دیدگاه‌های حدیثی و رجالی وی**

استاد راهنما

حجة الاسلام دکتر احمد عابدی

استادان مشاور

حجة الاسلام دکتر محمدعلی مهدوی راد

آیت الله شیخ مسلم داوری

نگارش

زهرا اخوان صراف

بهار ۱۳۸۶

۱۰۱۳۳۳

کتابخانه اساتید بزرگ قم  
تاسیس ۱۳۸۷

۱۳۸۷ / ۱۲ / ۲۵

## پژگیده

به دلیل ماهیت پیام وحیانی دین و کیفیت ابلاغ و وصول آن و رخداد‌های تاریخی موجود در این مسیر، نظام فقهت و فهم دین با مجموعه‌ای از مشکلات روبروست. این است که از مرحله‌ی فعلیت حکم شرعی - یعنی مرحله‌ای که قانون‌گذار آن را اعتبار کرده، به عهده‌ی مکلف می‌گذارد تا مرحله‌ی وصول و تنجز آن - که ثواب و عقاب به دنبال دارد، موانعی هست.

مکاتب استنباطی مختلف برای فهم مرادات جدی دین، شیوه‌ها و ابزارهایی را پیش‌نهاد می‌کنند که گاه هیچ جنبه‌ی حکایت‌گری از واقع ندارند. یعنی معلوم نیست فقیه را به واقع حکم الهی برسانند، بلکه چنانکه گفته‌اند معذر و منجزند. به این دلیل اولاً در اصل اعتبار ظن حاصل از آنها - در شرایطی که رسیدن به اطمینان و علم عادی یا وثوق ممکن باشد، اشکال هست. ثانیاً بهره‌ی چندانی از خصلت وثوق آوری و رکون بخشی - که جان‌مایه‌ی هر حجتی است - ندارند.

تتبع و تحقیق ارائه شده در این رساله می‌خواهد نشان دهد شیوه‌ای از فقهت که بسیاری از بنیان‌های آن از روش استنباطی آیت‌الله‌بروجردی برداشت می‌شود، تا حد زیادی این مشکلات را مرتفع میکند چرا که:

- افزون بر استوار کردن پایه‌های دانش اصول و دقت و تعمق در آنچه به عنوان مقدمات اجتهاد به آن نیاز است؛

- علاوه بر ارائه توصیه‌هایی خطیر به لزوم تأمل و تلاش برای باروری مباحثی که حقیقتاً مقدمه‌ی دین‌فهمی هستند اما در نظام‌های نام و نشانی ندارند؛

با توجه حداکثری به میراث روایی، تمرکز عمده‌ای فرآیند اجتهاد را بر اندیشه‌ورزی بر روی ادله فرا می‌خواند.

در این شیوه :

- بازگشت به اصول متلقات و مبانی قدما ذخیره‌ای سرشار از متونی که می‌توان به دیده روایت به آنها نگریست پیش رو می‌نهد.

- توجه به فضای صدور اخبار و دقت در آرا و احادیث اهل سنت فهم عینی‌تری از منقولات بدست می‌دهد.

- دقت در اسناد روایات، افقی وسیع برای رفع ابهام‌های رجالی و راهی به احراز متون می‌گشاید و...

این همه، مجموعه‌ای از توانمندی‌ها در نظام استنباطی فراهم می‌آورد که دستیابی به مطلوب قانون‌گذار حکیم را از راه‌هایی اطمینان بخش‌تر ممکن می‌سازد.

کلیدواژه: اجتهاد، استنباط، مکتب، اصول، حدیث، رجال، فقه، روایت، متن، سند، بروجردی.

## سپاسگذاری

همه‌ی بزرگانی را سپاس که در طول تاریخ اجتهاد برای فهم معالم دین کوشیدند؛  
همه‌ی استادانی که مستقیم یا با واسطه مرا به میراث دینی مکتوب و تلاش برای استنباط  
و پاسداری از آن حساس نمودند؛  
استاد فقیدم آیت الله معرفت که از ایشان بسیار آموختم و از موضوع این رساله بسی  
خرسند و به نتیجه‌ی آن بسیار امیدوار بودند؛  
حضرت علامه‌ی عسکری که فضایی مناسب برای تحصیلات و تحقیقات عالی فراهم  
کردند؛  
استاد محترم راهنما جناب آقای دکتر عابدی که همواره و به‌ویژه در زمان تحقیق و  
تدوین این کار از راهنمایی‌های خردمندانه‌شان بهره‌ها بردم؛  
استادان محترم مشاور جناب آقای دکتر مهدوی راد و جناب آیت الله داوری که در  
تعمیق و توسعه‌ی مطالعاتم نقشی عظیم داشتند؛  
خانواده‌ی فداکارم که برای به ثمر رسیدن این کار از بذل هرگونه حوصله و همکاری  
دریغ نکردند؛  
و به ویژه دخترم که افزون بر همه‌ی خوبی‌هایش، برای تجزیر و ویرایش این کار  
فروتنانه کوشید.

تقدیم به :

# مادرم

که هر ستایشی روح بلند و سرشت آسمانیش را حقیر می کند؛  
که هر چه کردم برای او بود اما ...

در آستانه ی دفاع این رساله

از سر شوق و بیقراری

جان نفیسن بیگانه بسوی حبیبش پرکشید

و جسم عزیزش در جوار مولایش (میرمؤمنان علیه السلام) آرام گرفت.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	زمینه تاریخی - مکتب نجف و مکتب قم
۲	موضوع رساله حاضر و اهمیت آن
۴	پیشینه و منابع تحقیق
۵	روش تحقیق
۶	دشواری ها و محدودیت های تحقیق
فصل اول - مکتب اصولی	
۱۰	۱- روش شناسی مباحث اصولی
۱۰	۱-۱- روش شناسی صوری
۱۰	۱-۱-۱- ترتیب مباحث (چینش)
۱۴	۱-۱-۲- کیفیت ورود به مسئله در هر عنوان
۱۴	۱-۱-۳- گزینش و اختصار مباحث
۱۷	۱-۱-۴- اضافات
۱۸	۲- روش شناسی محتوایی
۱۸	۱-۲-۱- چگونگی ورود و طرح مباحث اصولی

- ۲۶.....۲-۲-۱- برخورد با آراء و اقوال.....
- ۳۱.....۳-۲-۱- نقاط قوت روش.....
- ۴۰.....۲- تعامل اصول با ساير علوم.....
- ۴۰.....۱-۲- منطق و علوم عقلی.....
- ۴۵.....۲-۲- ادبيات.....
- ۴۶.....۳-۲- علوم قرآنی.....
- ۴۸.....۴-۲- دانش‌های حدیثی.....
- ۵۰.....۳- آرای خلاف مشهور.....
- ۵۰.....۱-۳- دیدگاه خاص نسبت به حکم ظاهری.....
- ۵۲.....۲-۳- جواز استعمال لفظ در بیش از یک معنا.....
- ۵۴.....۴- ابتکارات و اختیارات در اصول.....
- ۵۵.....۱-۴- اطلاق و تقييد.....
- ۵۵.....۱-۱-۴- نکات و تفاوت‌های مهم.....
- ۵۹.....۲-۴- مفاهيم.....
- ۶۰.....۱-۲-۴- نگاهی تفصیلی به ارکان مبحث مفاهيم.....
- ۶۷.....۳-۴- ترتب.....
- ۶۷.....۱-۳-۴- بیان مسئله.....
- ۶۹.....۲-۳-۴- امکان و وقوع ترتب.....
- ۷۰.....۳-۳-۴- مقدمه‌ی سید بروجردی بر تصحيح ترتب.....
- ۷۲.....۴-۳-۴- رفع استبعاد و شبهه‌ی امتناع در ترتب.....
- ۷۳.....۵-۳-۴- دليل محقق خراسانی بر امتناع.....
- ۷۵.....۶-۳-۴- نقد و بررسی دیدگاه سید بروجردی در ترتب.....
- ۷۷.....۷-۳-۴- حدود ، مقومات و آثار اندیشه‌ی ترتب سید بروجردی.....
- ۷۸.....تحقیق و نظر.....
- ۷۹.....۴-۴- اجتماع امر و نهی.....
- ۷۹.....۱-۴-۴- بیان مسئله.....
- ۸۱.....۲-۴-۴- مقایسه دیدگاه‌های آیت الله بروجردی با آخوند.....
- ۸۵.....۳-۴-۴- نتایج اندیشه‌ی جواز از دیدگاه آیت الله بروجردی.....

۸۸	..... ۵-۴ حجیت ظواهر
۸۹	..... ۱-۵-۴ تفصیل در حجیت ظواهر
۹۷	..... ۶-۴ خبر واحد
۹۸	..... ۱-۶-۴ نگاهی به اقوال و ادله
۹۹	..... ۲-۶-۴ تقسیم خبر
۱۰۰	..... ۳-۶-۴ حجیت خبر
۱۰۱	..... ۴-۶-۴ ادله حجیت خبر واحد
۱۰۹	..... ۷-۴ اجماع
۱۰۹	..... ۱-۷-۴ تفاوت دیدگاهها
۱۱۰	..... ۲-۷-۴ چگونگی کاشفیت اجماع از قول معصوم
۱۱۲	..... ۳-۷-۴ اجماع در نگاه سیدبروجردی
۱۲۱	..... ۸-۴ شهرت فتوایی
۱۲۲	..... ۱-۸-۴ ادله حجیت شهرت و نقد آنها
۱۲۳	..... ۲-۸-۴ نقاط تفاوت اندیشه آیت‌الله‌بروجردی نسبت به اجماع

### فصل دوم - مکتب حدیثی

۱۳۳	..... دیدگاهها و نوآوری‌های حدیث‌شناسانه
۱۳۵	..... ۱- اثبات اصل اعتبار سنت پیشوایان معصوم
۱۳۷	..... ۲- راه دست‌یابی به سنت قعطی‌الاعتبار
۱۳۷	..... ۱-۲ حجیت خبر واحد و شرایط آن
۱۳۸	..... ۲-۲ تعابیر مختلف نسبت به روایات
۱۴۰	..... ۳-۲ تعارض اخبار
۱۴۰	..... ۱-۳-۲ گذری بر تعارض حجج
۱۴۳	..... ۲-۳-۲ چکیده بنای سید در تنافی حجج
۱۴۳	..... ۳-۳-۲ ترتیب مرجحات
۱۵۷	..... ۴-۳-۲ موضع‌گیری با روایات عامه
۱۵۹	..... ۵-۳-۲ تحلیل معیار موافقت یا مخالفت عامه
۱۶۲	..... ۴-۲ خبر کشف شده از اجماع قدما
۱۶۳	..... ۵-۲ توحید روایات



- ۱-۵-۲- تشخیص وحدت روایات ..... ۱۶۴
- ۲-۵-۲- ژرف نگری در احتمال توحید روایات ..... ۱۶۶
- ۳- فقه الحدیث ..... ۱۶۹
- ۱-۳- جامعه شناسی تاریخی ..... ۱۶۹
- ۲-۳- توجه به ذهنیت راویان ..... ۱۷۱
- ۳-۳- شناخت روایت تقیه‌ای ..... ۱۷۲
- موارد عدم حمل به تقیه ..... ۱۷۳
- ۴-۳- نقل به معنا و پیامد های آن ..... ۱۷۵
- ۳-۴-۱- شرایط جواز نقل به معنا ..... ۱۷۶
- ۳-۴-۲- لوازم نقل به معنا ..... ۱۷۷
- ۳-۵- تاثیر نگره های کلامی در ارزیابی روایات و برداشت از آنها ..... ۱۷۹
- ۳-۶- تحلیل ادبی متن روایات ..... ۱۸۱
- ۳-۶-۱- ارکان معنادهی روایات ..... ۱۸۱
- ۳-۶-۲- توجه به اصطلاحات خاص روایات ..... ۱۸۲
- ۳-۷- تحقیق نسخه ها ..... ۱۸۴
- ۳-۷-۱- تحقیق نسخه‌های سند ..... ۱۸۶
- ۳-۷-۲- تحقیق نسخه های متن ..... ۱۸۷
- ۳-۸- جمع مختلفات (علاج تعارض) ..... ۱۸۹
- ۳-۸-۱- روند علاج تعارض ..... ۱۹۰
- ۴- دو اثر حدیثی ..... ۲۰۴
- ۱- جامع الاحادیث الشیعه ..... ۲۰۴
- مزایای کتاب وسائل الشیعه ..... ۲۰۴
- کاستیهای کتاب وسائل الشیعه ..... ۲۰۶
- منهج و امتیازات عمده‌ی کتاب ..... ۲۰۷
- ۲- الاحادیث المقلوبه ..... ۲۱۱
- فصل سوم - مکتب رجالی
- ۱- مبانی و دیدگاه ها ..... ۲۱۶

- ۱-۱- تقلیدی نبودن رجال و لزوم اجتهاد در آن ..... ۲۱۶
- ۲-۲- دیدگاه نسبت به مصادر رجالی ..... ۲۱۸
- رجال شیخ طوسی ..... ۲۱۸
- رجال کشی ..... ۲۱۹
- فهرست نجاشی و فهرست شیخ طوسی ..... ۲۱۹
- سایر مصادر رجال ..... ۲۱۹
- نظر کلی در مورد تصنیفات رجالی و تمیز مشترکات ..... ۲۲۰
- ۳-۱- مبانی توثیق و تضعیف ..... ۲۲۱
- بنای اولیه ..... ۲۲۱
- توثیقات ..... ۲۲۲
- ۱-۳-۱- توثیقات خاص ..... ۲۲۲
- ۲-۳-۱- توثیقات عام ..... ۲۲۶
- ۳-۳-۱- نقش مذهب راوی در ارزیابی روایت وی ..... ۲۴۸
- ۴-۳-۱- راههای دیگر در کشف وثاقت ..... ۲۴۹
- ۴-۱- سامان دهی و بکارگیری طبقات ..... ۲۴۹
- ۱-۴-۱- تقسیم‌بندی طبقات ..... ۲۵۱
- ۲-۴-۱- آثار توجه به امر طبقات ..... ۲۵۲
- ۵-۱- موقف نسبت به صحت روایات کتب اربعه ..... ۲۵۵
- ۲- خدمات و ابتکارات ..... ۲۵۶
- ۱-۲- منبع اول - مباحث فقهی ..... ۲۵۸
- ۱-۱-۲- پیرامون افراد راویان ..... ۲۵۸
- ۲-۱-۲- تحقیق مصادر ..... ۲۶۱
- ۳-۱-۲- پیرامون موضوعات ..... ۲۶۶
- ۲-۲- منبع دوم - موسوعه‌ی رجالی ..... ۲۶۷
- ۱-۲-۲- مقایسه موسوعه‌ی رجالی با جامع الروات ..... ۲۶۸
- ۲-۲-۲- انگیزه‌ی تألیف ..... ۲۶۹
- ۳-۲-۲- گزارشی از محتویات مجلدات موسوعه ..... ۲۷۰
- ۴-۲-۲- نگاهی به کیفیت تدوین موسوعه ..... ۲۷۵
- ۵-۲-۲- شیوه کار در موسوعه رجالی ..... ۲۷۷
- ۶-۲-۲- فواید موسوعه ..... ۲۸۳

۲۸۸ ..... حاشیه‌های موسوعه ۷-۲-۲

## فصل چهارم - مکتب فقهی

۳۰۴ ..... ۱- عناصر دخیل در استنباط فقهی

۳۰۴ ..... ۱-۱- دانش اصول و نقش و جایگاه آن

۳۰۶ ..... علل مراجعی کم به اصول عملیه

۳۰۹ ..... ۲-۱- جایگاه قرآن و تمسک به آن

۳۱۳ ..... نگاهی به برخی نسبت‌ها

۳۱۴ ..... ۳-۱- روایات و اصول متلقات

۳۱۴ ..... ۱-۳-۱- چگونگی عرضی روایات

۳۱۸ ..... ۲-۳-۱- توجه به اقوال و فتاوا

۳۲۷ ..... ۴-۱- جایگاه عقل و عقلا

۳۲۷ ..... ۱-۴-۱- نگاهی به کاربردهای عقل در فقه

۳۳۲ ..... ۲-۴-۱- بنای عقلا

۳۳۴ ..... ۵-۱- ریشه‌یابی اختلافات

۳۳۵ ..... ۶-۱- تاریخ ورود مسئله در فقه

۳۳۶ ..... ۷-۱- تسلط به لغت و دقت در ادبیات

۳۳۶ ..... ۸-۱- تمسک به ظن مطلق در صورت عدم اطمینان

۳۳۷ ..... شخصی بودن وثوق و ظن

۳۳۹ ..... ۲- مراحل، ترتیب و ویژگی‌های استنباط

۳۳۹ ..... ۱-۲- ترتیب فقهی بررسی مسائل

۳۳۹ ..... ۲-۲- تقدم بررسی موضوع بر بررسی حکم

۳۴۰ ..... ۳-۲- تتبع تام

۳۴۱ ..... ۴-۲- دقت در افتا و حکم دادن

۳۴۳ ..... خاتمه

۳۴۷ ..... فهرست منابع

## مقدمه

### زمینه‌ی تاریخی - مکتب نجف و مکتب قم

بعد از شیخ انصاری و بارور شدن مباحث اصولی و بویژه بعد از توجه خاص شاگردش آخوند خراسانی به این مباحث، در میان شاگردان فقیه آخوند دانش اصول میدان‌دار عرصه‌ی اجتهاد بود و مجال عمده‌ی این ساحت را پر می‌نمود. در این مکتب اجتهادی - یعنی مکتب نجف - مسائل با طی کردن یک سیر ریاضی گونه - که از حجت ذاتی شروع می‌شد و در صورت نبود با تنزل پله پله ای که به اصول عملیه ختم می‌شد - ماشینی و سریع به نتیجه می‌رسیدند. دشواری اجتهاد در بحث‌های پیچ در پیچ و معمایی اصول فقه بود نه اندیشه‌ورزی بر روی ادله در متن فقه. در نتیجه‌ی این روش، استنباط بسیاری از مسائل سراز اصول عملیه در می‌آورد و به حجت سازی - به جای دست یابی به واقع - منجر می‌شد. در روش پیش نهادی مکتب نجف که عصاره آن در آثار محقق خوئی و بعد از او شهید صدر متبلور است، اهتمام به اصول در بحث های فقهی به گونه‌ای است که گویا تنها عاملی که در استنباط نقش دارد حکم اصولی است. همواره بعد از گذار از یک سیر الگوریتمیک حکم شرعی حاصل می‌شود و اجتهاد راه ساده‌ای طی می‌کند. از آثار این تفکر این است که چندان به فتاوی‌های مذاهب دیگر و به فضای

صدور روایات و بازسازی این فضا اعتنا نمی‌شود و روایت در یک خلأ تاریخی، از حیث سند ارزیابی می‌شود. دیدگاه‌های رجالی این مکتب هم بر اساس مبانی اصولی آن شکل گرفته است و فقط با یک سری قواعد خاص رجالی راویان توثیق و تضعیف و روایات آنها رد یا قبول می‌شود. در این برهه، شماری اندک از فقیهان و به‌طور خاص شیخ عبدالکریم حائری و سیدبروجردی به دستگاه اجتهاد نگاهی عمیقاً متفاوت نمودند و نظامی دیگرگونه برای اجتهاد پیش‌نهادند. از دید این نظام یا مکتب - که به مکتب قم مشهور شد - اصول موجود آن هم نه تمام مباحث آن با همه‌ی جزئیات و معماهایش، بخشی از مقدمات اجتهاد بود و عناصر بسیار مهم دیگری - مثل رجال از منظری ویژه، تاریخ، شناخت فتاوی‌ای اهل سنت و آشنایی با ادبیات و نحوه سخن اهل بیت باید مدنظر قرارگیرد تا استنباط، روالی طبیعی، شفاف، اطمینان بخش و باورآور بیابد. این روش روش در میدان اجتهاد بیش از آنکه متوجه اصول باشد، فقه‌مدار بود.

سید بروجردی به عنوان نماد این شیوه‌ی استنباط با عناصر و مبانی که فراهم آورد و روش‌هایی که ابداع کرد، دستگاهی پدید آورد که از حیث توجه به منابع، روشها و مهارت‌های حوزه‌ی حدیث و هدایت روند فقاقت به قلب روایات و سپردن سکان اجتهاد به متون به جای قواعد، به‌طور قابل توجهی ممتاز است و فقاقت از طریق آن اگرچه - حداقل در ابتدا - بسیار دشوار و توان‌سوز، اما دقیق و روشن است.

### موضوع رساله حاضر و اهمیت آن

این که بعد از آن بزرگوار اسلوب فقاقتش دنبال شد یا نه، و این که چه اندازه در تغییر روش موجود اثر کرد و چرا، مقالی جداگانه است. اما آن اندازه که نغمه‌های ستایش و آوازه‌ی تمایزش کرانه‌های جامعه‌ی فقهی را پرکرده، شیوه‌ی ممتاز اجتهادیش - با نگاه به ابزارها و روش‌های فریدش - تتبع و تدوین نشده تا توصیه و تجربه‌کردنی شود و درنهایت تنقیح و تکمیل گردد یا توسعه و تعمیم یابد. دلیل این مطلب شاید دشواری مشی فقهی به این روش باشد که در آن مجموعه‌ای از مقدمات و مؤلفه‌ها - با تأثیر متقابلشان - باید در فرآیند استنباط مد نظر

قرار گیرند. به عبارت دیگر مکتبی با عناصر مبانی و روشهای شفاف در تمام عرصه‌های مرتبط باید فراهم باشد تا استنباطی وثوق آور میسر شود.

توضیح آنکه :

در حمل و ابلاغ شریعت ، گسترده ترین نقش از آن روایات است و دانش های فقه و اصول عمدتاً بر این محور شکل می گیرند. این دانش اصول است که مشخص می کند روایت با چه شرایطی حجت است واصلاً چرا شایستگی تمسک برای به دست آوردن معالم دین را دارد و دلالت الفاظش چگونه است و در مقام جمع و تعارض چه باید کرد و...

بنابراین کبریات دلالت و حجیت روایات را دانش اصول تعیین می کند. نظریات رجالی راه احراز متونی است که این شرایط را دارند، یعنی صغرای این کبری را مشخص می کند.

پس حوزه‌ی حدیث، مجال اساسی است که در آن رجالی نظریات رجالی را در چارچوبی که دانش اصول مشخص کرده است ، تطبیق می کند و فقه مجالی است که در آن با بکارگیری احادیث معتبر - که شایستگی تمسک دارند - از نتایج تطبیق رجالی استفاده می شود . بنابراین دانش رجال دستارودهای این علم را در احادیث اعمال می کند تا متونی از آنها که صلاحیت بکارگیری در فقه را دارند بیرون بکشد. به این ترتیب ترابط و تعامل عمیق و گسترده این چهار عرصه معلوم می شود و از آنجا مشخص می شود که احاطه به علوم شریعت به تضلع و خبرویت در این ساحت ها متوقف است.

سید هم چون بسیاری دیگر از بزرگان عرصه‌ی فقاہت و اجتهاد دارای مبنا و شیوه و در بعضی زمینه ها مؤسس بود، اما برجستگی عمده اش ریشه در سرآمدی او در چهار عرصه‌ی اصول، حدیث، رجال و فقه دارد. آنگونه که امکانات لازم در تمامی این حوزه ها تا حد زیادی نزدش فراهم بود.

تحقیق پیش رو تلاشی در جهت شناخت بنیان‌های این نظام اجتهادی و تحقیق سازوکارهای پیشنهادی آن است. تا کلیه‌ی مختصات این شیوه با عنوان مکتب تدوین نشود عیب

و حسنش آنچنان که باید آشکار نمی‌شود. تا با عبور از محک نقد و ارزیابی توصیه یا تنقیح یا تکمیل شود.

تأکید پژوهش‌نامه بر جنبه‌های حدیثی و رجالی است چون:

- نقش بسیار مهم در امتیاز بخشی به روش او از آن نگاه و برخورد ویژه‌اش نسبت به روایات است؛

- این نگرش نه تنها در اجتهاد به معنای خاص استنباط احکام شرعی بلکه در تمام عرصه‌های فهم دین اعم از کلام و تفسیر و تاریخ و غیر آن - به خاطر میدان داری روایات در تمامی این ساحت‌ها - تأثیر گذار است.

### پیشینه و منابع تحقیق

توجه به امور پیش گفته باعث گرایش برخی عالمان به پرداخت روایات و رویکرد وسیع‌تر به آنها و تلاش برای دگرگونی روند ریاضی‌گونه‌ی کارگیری روایات در مسیر متداول اجتهاد شده است زیرا مسیر متداول بدلیل دشواری‌های حوزه‌ی حدیث، به لغزش زود هنگام به وادی اصول عملیه و احکام ظاهری و روال حجت‌سازی در پناه اصول عملی در کنار منابع و نصوص، می‌انجامد. اما این تلاش‌ها عمدتاً شخصی، سلیقه‌ای و توسعه نیافته‌است.

به طور خاص نسبت به سید بروجردی - با وجود همه‌ی تمجید و ستایشی که نسبت به او برسر زبان‌هاست - آنچه به صورت تک‌نگاری یا در قالب آثاری به منظور بزرگداشت او فراهم آمده از حد زندگی‌نامه و حداکثر اشاره‌ای به بعضی شاخصه‌های درسش فراتر نمی‌رود. او که زعامت عام داشت و طلایه دار اندیشه‌ی تقریب بین مذاهب بود، بدون شک از یک شخصیت چند بُعدی سیاسی و اجتماعی برخوردار بود و خدمات ارزنده فرهنگی به جامعه‌ی دینی عرضه کرد. اینها باعث می‌شود که در گفتگو در باره‌ی او کل شخصیت چند بعدیش مورد توجه قرار گیرد و تمرکز عمده‌ای بر بعد مبانی و دیدگاه‌های علمی وی انجام نشود. مگر در قالب‌هایی از قبیل اشاراتی که بعضی اساتید درس خارج در تاریخ علم اصول یا مواضع دیگر به تفاوت مکتب

قم و نجف دارند. شماری اندک از مقالات موجودند که به احصای آثار و خدمات او پرداخته یا بعضی ویژگی‌های روش فقهی او را در قالب مثال‌هایی محدود نشان داده‌اند. اما مجموعه‌ای که بعنوان تقریرهای درس او موجود است، نیز بعضی از شاگردان برجسته‌ی او که تاکنون حیات دارند، هم‌چنین اظهار نظرهای بعضی از همراهان او و حاضران در درسش که در موقعیت‌های مختلف فراهم آمده‌است و به ویژه معدود درس‌هایی که توسط بعضی شاگردان ایشان برمیانی وی عرضه می‌شوند - و نگارنده به‌طور مستقیم زمانی قابل توجه در آن‌ها حضور داشته است - هم‌چنین تحقیقاتی که بعضی از دانشمندان معاصر با تمرکز بر شماری محدود از آثار ایشان انجام داده‌اند می‌تواند در سامان دادن کل این اندیشه تحت عنوان یک مکتب اجتهادی به‌کار آید. دو مورد اخیر به ضمیمه‌ی بعضی تقریرات چاپ نشده درس ایشان - که نگارنده بصورت مستقیم یا غیر مستقیم استفاده کرده است - و تعلیقات و مقدمات ارزشمندش بر پاره‌ای کتب، منبع عمده‌ی اثر حاضر بوده است. اما از آنجا که در تدوین بخش قابل توجهی از این مکتب اجتهادی از شیوه‌ی تطبیق و مقایسه با روش‌های دیگر دانشمندان استفاده شده است، شمار عمده‌ای از کتب متداول و معتبر رجال و حدیث و اصول و فقه بعنوان منابعی مطالعه و استفاده شده‌اند.

### روش تحقیق

چنانکه گذشت چون بنای این اثر بر تتبع و تدوین مکتب اجتهادی و تحقیق آن تا حد امکان بوده، شیوه‌ی کار توصیفی محض نیست بلکه شیوه‌ای تلفیقی است به این صورت که معمولاً در مسائل مورد بحث در هریک از مکتب‌های چهارگانه برای بیان مسئله زمینه بحث و ابعاد و ارکان آن بر مبنای بحث‌های جاری و مشهور بررسی شده و بعد از نگاه مختصری به اقوال و ادله - در بعضی موارد - دیدگاه مرحوم بروجردی در مقایسه و تطبیق با بزرگان آن ساحت خاص ارائه و تحلیل شده که در مقدمه هر مکتب توضیح داده شده است. در صورت نیاز دیدگاه‌های خاص سید بصورت جداگانه پررنگ و تأکید و نقد و ارزیابی شده‌اند و در تأثیر متقابل مبانی و مؤلفه‌های موجود در هر حوزه بر عناصر و مبانی حوزه‌های دیگر دقت شده است.



## دشواری‌ها و محدودیت‌های تحقیق

محدودیت های عمده ای که بر این کار تحمیل شده است را می توان به این صورت

برشمرد:

- ۱- نبود بسیاری که در فهرست های مخصوص بعنوان آثار سید گرد آمده‌اند؛
  - ۲- این که سید بسیاری از مباحث تأثیرگذار - مثلاً در معاملات در فقه یا اصول عملیه و تعارض ادله در اصول- را یا بحث نکرده یا تقریری از آن موجود نیست یا اگر هست چاپ نشده و دستیابی به آن چندان آسان نیست؛
  - ۳- این که برخی از شاگردان زنده‌ی ایشان که ظاهراً هم مدت طولانی از آن بزرگوار استفاده کرده‌اند - شاید بدلیل ادامه ندادن شیوه او یا کهولت سن- بعد از تحمل دشواری‌های دیدارشان در جزئیات مورد نیاز محقق، نسبت به آرای سید حضور ذهن ندارند؛
  - ۴- این که نسبت به بعضی از آثار که ظاهراً بر مبانی ایشان تنظیم شده اما مستقیماً تقریر درس نیست نمی‌توان مطمئن بود که دقیقاً دیدگاه‌های سید را عرضه کرده‌باشند؛
  - ۵- و از همه مهم‌تر این که سید در آنچه تکیه رساله بر آنست - یعنی مبانی حدیث و رجال- تدریس و تألیف جداگانه‌ای ندارد و اساساً در خصوص رجال نظر به تدریس نداشته و باید محقق همه آنچه می‌خواهد به صعوبت و رنج با مطالعه هزارها صفحه مطلب فقهی و غیر آن از لابلای مباحث بصورتی معماگونه با قرینه‌یابی اصطیاد کند.
- مجموعه ای از محدودیت ها نیز به صورت خود خواسته برای تحقیق در نظر گرفته شده است :
- ۱- به دلیل گستردگی موضوع و وجود آثار مشابه درخصوص خدمات و تألیفات عرضه شده توسط سید نظری به این جنبه نبوده است مگر معدود مواردی - مثل موسوعه رجالیه- که در تنظیم مکتب او دخیل بوده اند؛

- ۲- در همهی بخش‌ها، پروهش‌نامه بخش کوچکی از تحقیق انجام شده را گزارش می‌کند:
- در بخش اصول تنها بحث‌هایی گزینش شده‌اند که یا در دیدگاه‌های حدیثی و رجالی یا در نیل به عنصر و خصیصه‌ای روشی در مکتب اجتهادی مؤثر بوده‌اند؛
  - در بخش حدیث به دلیل حجم زیاد و اهمیت تمام مطالب، درعنوان‌هایی مثل تعارض یا توحید روایات ارکان روش با اکتفا به حداقل نمونه‌ها عرضه شده‌اند؛
  - در بخش رجال با وجود افادات سودمند سید در مفردات رجالی نظر به گردآوری مفردات نبوده است مگر برای آنکه جلوه‌ای از شیوه‌ی کلی را آشکار کند؛
- در قسمت فقه - به دلیل اینکه اولاً ورود به بحث تفصیلی در هر مورد موجب اشتغال به مباحث تخصصی فقهی می‌شود که رساله مجال آن را ندارد و ثانیاً در مورد ارائه‌ی شواهد برای سیر روش فقهی سید، آثار مشابهی وجود دارد- تنها به بررسی برخی ارکان ومختصات مهم با کمترین شواهد اکتفا شده است.

فصل اوّل

مکتب

اصولی

آوازه‌ی مرحوم بروجردی در حدیث و رجال و سرآمدی روش‌های فقهی‌اش شاید گاه اذهان را از برجستگی‌های آرای اصولی وی منعطف کرده باشد. خصوصاً آن‌که چون او به اصول عملی کمتر محتاج می‌شد برخی پنداشته‌اند با دانش اصول ربطی استوار نداشت. واقعیت آنست که علاوه بر امتیازات کلی روشی، وی در غالب مباحث افقی‌هایی گشود و دیدگاه‌های ابتکاری داشت که خاص صاحبان اندیشه‌های بلند است. در این قسمت مکتب اصولی وی در چهار محور اساسی پی گرفته شده است. روش کار علاوه بر تعمق بر آثار مرحوم بروجردی - در قالب تقریرات درس اصول یعنی تقریرات فی اصول الفقه، لمحات الاصول، نه‌ایة الاصول و حاشیه ای بر کفایه که بر مبانی ایشان تنظیم شده است<sup>۱</sup> و برخی تک‌نگاری‌های دیگر - مقایسه و تطبیق با کتب متداول و معتبر اصولی که مباحث وی ناظر به آنان است - یعنی کفایه (البته با شروح و حاشیه‌های آن بویژه نه‌ایة الدرایه اصفهانی، نه‌ایة الافکار عراقی و اجودالتقریرات نایینی)، فرائد الاصول، مطارح الانظار و در مواردی الفصول الغریبه و برخی کتب اصولی دیگر بوده است.

---

۱. البته سید بروجردی خود حاشیه‌ای بر کفایه دارد که موجود نیست.